

اصلاحات اخیر در آموزش عالی کشور مالزی

نویسنده: انور علی (Anuwar Ali)

مترجم: داوود حاتمی

۰۱ دیباچه

این مقاله سیاست کشور مالزی را در قبال چالشهای بسیاری که آن کشور بر اثر فرآیند صنعتی شدن سریع خود و تأثیر جهانی شدن بسیاری امور بر روی کره زمین در پیش روی دارد، به اجمال بازمی‌کاود. بخش عمده حرکت راهبردی دولت به منابع انسانی که آموزش عالی در آن نقش مهمی را به خود اختصاص می‌دهد، مربوط است. از اوایل دهه ۱۹۹۰ به این سو، با به اجرا درآمدن برنامه‌های سرعت تغییر یا بنده اقتصادی و نیز تقاضای دم افزون برای ورود به دانشگاه، نیاز کنونی مالزی به گسترده بزرگ تری از نیروی کار کارآموده و متخصص در بخشهای کلیدی اقتصاد کشور، صورتی به واقع نگران کننده پیدا کرده است. بدین سان، چالشهای معطوف به رهبری سیاسی و سیاستگذاران، همه نشانه اهمیت روزافزونی هستند که به آثار جهانی شدن و نوآوریهای سریع در فن آوری اطلاعات و دیگر رشته‌های علمی داده می‌شود.

در مالزی، فرآیند توسعه به طور عمده در قالب «برنامه‌های پنج ساله» دولت که پی‌درپی به اجرا درآمده است و آخرین آنها یعنی برنامه هفتم از ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۰۰ به اجرا درمی‌آید، محقق می‌شود. برنامه‌های پنج ساله که مبنای نیاز کشور به نیروی انسانی قرار گرفته، از رهگذر برنامه‌ریزی کلان و فراگیر- که همه سطوح آموزش، از آموزش ابتدایی گرفته تا آموزش عالی را در بر می‌گیرد- صورتی فعال یافته است. گرچه

برنامه‌ریزی آموزشی در بطن برنامه‌ریزی نیروی انسانی جای دارد، خود آن نیز برای تضمین این که نیاز به نیروی انسانی برای کشور به قدر کفایت برآورده شود، اهمیتی بسیار دارد.

درچنین موقعیتی «وزارت آموزش» در تأمین نیروی انسانی ماهر در همه سطوح فنی و حرفه‌ای نقشی حیاتی بازی می‌کند. بنابر مندرجات برنامه هفتم مالزی (۱۹۹۶-۲۰۰۰):

«سطح آموزش و نظام مهارت افزایی ارتقا خواهد یافت و به سوی برآوردن نیازهای مهارتی گسترده اقتصاد جهت داده خواهد شد. در این ضمن، نظام آموزشی، امکانات آموزشی و کارآموزی بهبود خواهد یافت تا عرضه نیروی انسانی تحصیل کرده و ماهر مورد نیاز اقتصاد با سرعت در حال توسعه کشور فزونی یابد»

باتوجه به این مطلب، مقاله حاضر ابتدا به امر توسعه در آموزش عالی با تأکید بر تخصیص بودجه دولت، نام نویسی دانشجویان و عرضه‌ی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی می‌پردازد. بخش بعدی، به بازبینی دگرگونیهای سیاستی مهم در آموزش عالی و روشن کردن راهبردهای تازه‌ای چون «شرکتی کردن» دانشگاههای دولتی در مالزی، تأسیس «شورای ملی آموزش عالی»، افزایش ظرفیتهای پذیرش در دانشگاهها، فزونی یافتن نام نویسی دانشجویان در رشته‌های علوم و فن آوری، نقش آموزش عالی خصوصی و بین‌المللی کردن آموزش عالی اختصاص دارد.

۰۲ آموزش عالی در مالزی

تخصیص بودجه

باتوجه به اینکه دولت در اداره آموزش عالی نقشی عمده داشته، همواره آن را مورد حمایت قرار داده است. چنانکه در جدول ۱ نشان داده شده، افزایش در تخصیص بودجه‌های عملیاتی و عمرانی، از دهه ۱۹۹۰ به بعد کاملاً مشهود است. بعلاوه، افزایش این بودجه‌ها بیانگر آن است که مسؤلیت پاسخگویی به تقاضای فزاینده به آموزش عالی به وزارت مربوط سپرده شده است.

موفقیت آموزش عالی نه تنها به واسطه دریافت بودجه دولت در برنامه‌های پنج ساله، بلکه از طریق افزایش نسبتاً سریع شمار دانشجویان ورودی به دانشگاهها توضیح داده می‌شود.

جدا از این شاخصها، برون‌داد فارغ‌التحصیلان نیز عامل دیگری است که فرد باید در نظر بگیرد. در مورد اخیر، مالزی شمار بزرگی از دانشجویان خود را برای تحصیل به خارج از کشور، به طور عمده به کشورهای انگلیسی‌زبانی چون ایالات متحده آمریکا، انگلستان و استرالیا اعزام می‌کند. هم‌اینک ۶۰۰۰۰ دانشجوی مالزیایی در این کشورها به تحصیل اشتغال دارند، گرچه در کشورهای اروپایی دیگر و ژاپن نیز دانشجویانی از این کشور یافت می‌شوند.

این روابط نه تنها به واسطه ارتباطهای تاریخی مالزی با این کشورها، بلکه بر اثر شمار فزاینده «برنامه‌های مشترک» - که بسیاری از کالجهای خصوصی در مالزی باهمتهای خود در کشورهای انگلیسی‌زبان عرضه داشته‌اند - پا گرفته است.

این برنامه‌ها امکان اینکه دانشجو بتواند بخشی از مدارج تحصیلی خود را در مالزی و بخش دیگر را در این کشورها طی کند به وجود می‌آورد. اما از آنجا که این نوع برنامه‌ها در عین حال بر موازنه پرداختهای مالزی اثری منفی دارد، هم‌اینک دولت می‌کوشد شمار دانشجویان شاغل به تحصیل در خارج از کشور، بویژه آن دسته از افرادی را که دوایر دولتی هزینه‌های تحصیلی‌شان را ضمانت کرده‌اند، کاهش دهد.

دانشگاهها طبق توافقات هر ساله اعتباراتی را یک جا برای فعالیتهای عملیاتی خود دریافت می‌کنند. بودجه دریافتی ۱۲ دانشگاه دولتی مالزی در ۱۹۹۷، RM ۱/۳۱۶/۰ (رینگیت مالزی) بوده است. حقوق و مزایا تنها رقمی است که تا ۶۰ درصد از هزینه عملیاتی دانشگاهها را تشکیل می‌دهد. به طور متوسط، تا ۸۰ درصد از بودجه عملیاتی دانشگاه از کمکهای دریافتی از دولت تأمین می‌گردد. شهریه‌ها حدود ۶ درصد از این بودجه را تشکیل می‌دهد و ۱۴ درصد بقیه از محل درآمدهای دیگر تأمین می‌شود.

از سوی دیگر، بودجه عمرانی، هر پنج سال یک بار، طبق طرحهای عمرانی و ادواری پنج‌ساله تخصیص می‌یابد. این تخصیص بر اساس سرمایه‌های پیشنهادی مؤسسه برای مقاصد عمرانی (احداث ساختمانهای جدید و گسترش بناهای موجود، تهیه تجهیزات جدید، و همچنین بهبود وضع یا تعویض آنها و غیره) تحقق می‌یابد. با آنکه کل بودجه

جدول ۱

تخصیص بودجه برای مؤسسه‌های آموزش عالی دولتی (۱۹۹۱-۱۹۹۵)

سال	عملیاتی (میلیون *RM)	عمرانی (میلیون *RM)
۱۹۹۱	۸۶۱/۰	۱۴۸/۶
۱۹۹۲	۹۳۹/۹	۴۸۴/۷
۱۹۹۳	۹۹۹/۳	۴۷۰/۴
۱۹۹۴	۱/۱۰۱/۰	۴۳۰/۰
۱۹۹۵	۱/۲۱۸/۹	۶۱۱/۷
۱۹۹۶	۱/۳۳۷/۰	۵۷۰/۱
۱۹۹۷	۱/۳۱۶/۰	۷۳۴/۷

منبع: بخش آموزش عالی

* = رینگیت مالزی، واحد پول کشور مالزی ۰-م.

عمرانی در آغاز هر برنامه پنج ساله به تصویب می‌رسد، وجوهات به طور سالانه براساس توان مؤسسه در هزینه کردن و بودجه، تخصیص داده می‌شود. تخصیص عمرانی برای دانشگاهها در طول برنامه‌های عمرانی پنج ساله مختلف (جدول ۲) نشان دهنده آن است که بودجه‌های عمرانی در تمام این سالها به طرز چشمگیری افزایش یافته‌اند.

به دانشگاهها نیز مانند مؤسسه‌های پژوهشی بودجه‌ای برای مقاصد تحقیق و توسعه (R&D) تخصیص داده می‌شود؛ گرچه دانشگاهها باید مطابق سازوکاری موسوم به «تقویت تحقیق در حوزه‌های اولویت‌دار» (IRPA) بودجه‌های مورد نظر پیشنهاد کنند. از آغاز برنامه پنجم مالزی، دولت با نظارت «وزارت علوم، فن آوری و محیط» این سازوکار بودجه دهی برای تحقیق و توسعه را به اجرا درآورد و، در همان زمان، ۵۰۰ میلیون رینگیت بدان تخصیص داده شد. در برنامه هفتم مالزی، این بودجه به یک میلیارد ر.م افزایش داده شد.

این افزایش قابل توجه در بودجه تحقیق و توسعه برای آن است که دانشگاهها بتوانند

همگام با مؤسسات پژوهشی دولتی به نیازهای درحال تغییر برنامه صنعتی کردن کشور پاسخ دهند. دولت از مراکز آموزش عالی انتظار دارد در زمینه‌هایی چون فن آوری اطلاعات، میکروالکترونیک، تولید پیشرفته، فن آوری زیستی به دست آورده‌هایی برجسته نایل آید. اینها زمینه‌های اولویت داری هستند که برای هرچه بیشتر گسترش دادن صنایع فن آوری سطح بالا در مالزی در نظر گرفته شده‌اند.

جدول ۲

تخصیصهای عمرانی برای دانشگاهها در طول برنامه‌های پنج ساله (به میلیون ر.م)

۵۵۶/۴۲	برنامه سوم مالزی (۱۹۷۶-۱۹۸۰)
۹۷۰/۹۳	برنامه چهارم مالزی (۱۹۸۱-۱۹۸۵)
۱/۴۴۱/۲۸	برنامه پنجم مالزی (۱۹۸۶-۱۹۹۰)
۱/۸۷۷/۰۰	برنامه ششم مالزی (۱۹۹۱-۱۹۹۵)
۳/۵۷۷/۰۰	برنامه هفتم مالزی (۱۹۹۵-۲۰۰۰)

تعداد دانشجویان ورودی و خروجی

دانشجویان، به طور کلی، می‌توانند رشته‌های تحصیلی ارابه شده در مؤسسه‌های آموزش عالی دولتی را- چه در حد دیپلم و لیسانس (کارشناس)، و چه در سطح فراتر از لیسانس- در زمینه‌هایی چون هنر و علوم انسانی، مهارت‌های حرفه‌ای، علوم نظری، علوم کاربردی، فن آوری، و پزشکی ادامه دهند. درصد بالایی از دانشجویان، بیش از ۵۰ درصد، هنوز در علوم اجتماعی تحصیل می‌کنند؛ در حالی که سهم رشته‌های علوم و فن آوری، در مجموع، از ۵۰ درصد هم کمتر است. هم چنانکه در جدول شماره ۳ نیز نشان داده شده، در سال تحصیلی دانشگاهی ۱۹۹۵/۹۶- در مقایسه با سال تحصیلی ۱۹۹۲/۹۳- افزایش چشمگیری در تعداد دانشجویان پذیرفته مشاهده می‌گردد که به ۲۶ درصد می‌رسد. دانشگاهها این رشد را با افزایش چشمگیرتر ظرفیتهای آموزش و پذیرش خود تکمیل کرده‌اند. همراه با این رشد، دانشگاهها آماده نیز شده‌اند تا، با

استفاده از بودجه آموزشهای ویژه، به تربیت کارکنان علمی خود پردازند و سطح کار آنها را بالا ببرند. از اعضای هیأت علمی جدید انتظار می‌رود توانایی علمی خود را با اخذ مدارک فوق‌لیسانس (کارشناسی ارشد) یا دکتری در داخل یا خارج کشور افزایش دهند.

جدول ۳

نام نویسی دانشجویان مؤسسات آموزش عالی دولتی

مؤسسه	۹۳/۹۲	۹۴/۹۳	۹۵/۹۴	۹۶/۹۵
UM	۱۳/۶۰۰	۱۴/۹۹۱	۱۵/۵۲۶	۱۶/۴۲۱
UKM	۱۳/۷۰۱	۱۳/۱۹۹	۱۴/۱۱۰	۱۴/۹۵۳
USM	۱۴/۲۴۴	۱۵/۰۹۷	۱۶/۲۸۴	۱۷/۷۸۶
UPM	۱۱/۵۸۶	۱۱/۶۵۰	۱۱/۹۲۵	۱۳/۴۰۰
UTM	۱۰/۰۲۰	۱۱/۳۴۵	۱۲/۷۸۴	۱۴/۶۸۶
UUM	۷/۵۲۰	۸/۵۱۷	۹/۶۹۲	۱۰/۱۵۹
UIA	۷/۱۵۸	۸/۰۵۳	۸/۸۴۵	۹/۶۳۳
UNIMAS	-	۱۱۹	۴۶۵	۹۴۵
UMS	-	-	-	۲۰۵
ITM	۳۱/۵۱۱	۲۸/۳۷۷	۳۶/۹۷۷	۴۲/۰۸۴
KTAR	۶/۸۶۴	۶/۷۰۵	۶/۴۴۲	۶/۱۹۸
جمع	۱۱۶/۲۰۴	۱۱۸/۰۵۳	۱۳۳/۰۵۰	۱۴۶/۴۷۰

منبع: بخش آموزش عالی مالزی

جدول شماره ۴ شمار فارغ‌التحصیلان را از ۱۹۹۲ به بعد نشان می‌داد. سال ۱۹۹۵، شاهد بروندادی به رقم ۳۰/۰۰۷ دانشجوی بود، ضمن اینکه هنرهای حرفه‌ای بالاترین شمار فارغ‌التحصیلان را داشت. باین حال، چنانکه پیشتر نیز نشان داده شد، هنوز هم کشور خلأی بزرگ در

زمینه‌های علوم و فن آوری، پزشکی، و فن آوری اطلاعات دارد.

جدول ۴

شمار فارغ‌التحصیلان مؤسسه‌های آموزش عالی دولتی در سالهای مختلف

مؤسسه	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵
UM	۳/۱۲۰	۲/۲۹۰	۳/۱۷۹	۳/۳۹۷
UKM	۳/۶۸۵	۳/۹۸۸	۳/۳۱۷	۳/۳۷۰
USM	۲/۶۲۱	۲/۷۷۴	۲/۸۶۹	۲/۸۹۳
UPM	۱/۸۱۳	۲/۳۵۴	۲/۶۲۷	۲/۴۵۵
UTM	۲/۱۸۴	۲/۳۷۵	۲/۲۰۱	۲/۵۴۸
UUM	۶۵۲	۶۲۴	۱/۱۹۷	۱/۴۸۴
UIA	۱/۱۵۲	۱/۱۳۹	۱/۴۶۶	۱/۶۲
UNIMAS	-	-	-	۳
ITS	۷/۱۶۱	۷/۲۸۳	۷/۷۸۴	۱۰/۷۴۵
KTAR	۱/۸۳۲	۲/۱۴۴	۲/۱۹۴	۲/۰۵۰
جمع	۲۴/۲۲۰	۲۴/۹۷۱	۲۶/۸۳۴	۳۰/۶۰۷

منبع: بخش آموزش عالی مالزی

هم اکنون نقش دانشگاه‌های دولتی در برآوردن نیازهای کشور به نیروی انسانی
تردید ناپذیر است؛ این دانشگاهها عبارتند از:

University Malaya	دانشگاه مالایا (۱۹۶۲)
MARA institute of technology	مؤسسه فن آوری مارا (۱۹۶۷)
Tunku Abdul Rahman college	کالج تونکو عبدالرحمان (۱۹۶۹)
Universiti Sains Malaysia	دانشگاه سینز مالزی (۱۹۶۹)
Universiti Kebangsaan Malaysia	دانشگاه کبانگسان مالزی (۱۹۷۰)

دانشگاه پورتامالزی (پرتانیان مالزی سابق) (۱۹۷۱) Universiti Purta Malaysia
(Formerly University Pertanian Malaysia)

دانشگاه فن آوری مالزی (۱۹۷۲) Universiti Teknologi Malaysia

دانشگاه بین‌المللی اسلامی (۱۹۸۳) International Islamic University

دانشگاه اوتارا مالزی (۱۹۸۴) Universiti Utara Malaysia

دانشگاه مالزی ساراواک (۱۹۹۲) Universiti Malaysia Sarawak

دانشگاه مالزی ساباه (۱۹۹۴) Universiti Malaysia Sabah

آخرین موردی که به فهرست این دانشگاهها پیوسته، دانشگاه پندیديکان سلطان ادریس سلطان ادریس (Universiti Pendidikan, Sultan Idris) (۱۹۹۷) است. این مؤسسه، که پیشتر قدیمی‌ترین «دانشکده تربیت معلم مالزی» (Malay Teachers College) بود، هم‌اینک به سطح دانشگاه ارتقا یافته است.

۰۳ دگرگونیهای اخیر در سیاستها و خط‌مشی‌های آموزش عالی دولتی

باتوجه به دگرگونیهای جهانی جاری که ظاهراً بر همه کشورهای این منطقه - از جمله مالزی - تأثیر نهاده، درحقیقت، سیاستگذاران ودانشوران ضرورت اصلاح آموزش عالی عمیقاً باور کرده‌اند. اینان بخوبی دریافته‌اند که این اصلاحات باید بتوانند پاسخگوی این دگرگونیهای محیطی باشند. دانشگاهها باید در هر برنامه (سناریوی) اقتصادی سرعت در حال تغییر فعالانه شرکت جویند و تربیتی دهند تا پژوهشگرانشان با آگاهی از تقاضای بازار به فعالیتهای خارجی خود پردازند. به عبارت بهتر، این پژوهشگران باید برنامه‌های علمی یا دوره‌های آموزشی خود را با نیازهای صنعت، سازگار کنند.

فعالتهای پژوهشی آنها نیز، که دربه دست آوردن تعالی علمی، برآستی اهمیت دارند، باید بانيازهای صنعت همسو شوند. البته، هستند عوامل دیگری که ضرورت اصلاح دانشگاه ایجاب می‌کنند؛ از آن جمله‌اند ضرورت ایجاد تناسب میان برنامه‌ها و رشته‌های دانشگاهی بانيازهای سرعت تغییر یابنده کشور لزوم ایجاد پیوند میان فعالتهای پژوهشی دانشگاهها بانيازهای صنعت و نیاز به تضمین این که دانشگاهها بهترین مغزها را جذب و، مهم‌تر از آن، حفظ کنند.

* شرکتی کردن دانشگاههای دولتی

باتوجه به برنامه‌های برشمرده‌شده، مالزی در دو سال اخیر شاهد آغاز اصلاحاتی بوده که آموزش عالی آن به سوی تبدیل به نظامی هرچه پاسخگوتر رهنمون خواهد شد. «سیاست شرکتی کردن» که هدف آن مستقل تر و کارآتر ساختن اداره دانشگاههای دولتی است، سال گذشته بامطرح شدن اصلاحیه‌هایی برای «قانون دانشگاهها و دانشگاههای مستقل» (مصوب ۱۹۷۱) آغاز شد. باتصویب این اصلاحیه‌ها، دانشگاهها مدیریتی به شیوه جدید خواهند داشت. این نظام جدید مدیریت بدانها امکان می‌بخشد تا موانع دیوان سالارانه‌ای را که به واسطه اعمال و قوانین دولتی بر سر راه کنترل ساختارهای اداری وجدولهای حقوقی وجود دارد، به کمترین حد برسانند.

درعین حال، با کاهش یافتن شمار اعضای در هیأت‌های مدیره و شورای عالی دانشگاهها، سازوکار اداره دانشگاهها کارآتر خواهد شد. اگرچه در این مرحله، دانشگاه مالایا - که از کهن‌ترین دانشگاههای کشور است - نخستین دانشگاهی خواهد بود که تا اول ژانویه ۱۹۹۸ شرکتی می‌شود، همه دانشگاههای دولتی نیز دیر یا زود شرکتی خواهند شد.

دولت امیدوار است که، در فرآیند شرکتی کردن دانشگاهها، فرهنگ متعالی جدیدی را در همه دانشگاهها مشاهده کند؛ و این امر سنگ محکی برای مدیریت دانشگاهها خواهد بود تا، برپایه آن، بهترین کارکنان علمی و پشتیبانی دانشگاهها را برگزینند. درعین حال، این فرهنگ باید در کیفیت سطح فارغ‌التحصیلان آنها بازتاب پیدا کند. توجه به این امر برآستی مهم است، از آن‌رو که به نظر می‌رسد مردم مالزی، همچون بسیاری از کشورهای در حال توسعه، باتوجه به آشنایی که با کیفیت فارغ‌التحصیلان خارجی دارند توقع خود را از فارغ‌التحصیلان دانشگاههای کشور بالا برده باشند. به این جهت، بررسی مداوم استانداردهای برنامه‌های دوره‌های لیسانس و بالاتر، روشهای آموزشی، فعالیت‌های تحقیق و توسعه (R & D) و کارهای انتشاراتی هیأت علمی عادی به نظر می‌رسد.

یک بخش مهم «اعمال شرکتی کردن»، دادن امکان به دانشگاهها برای تأسیس شرکت‌هایی است که با «فعالیت محوری» ارتباط دارند. این بدان معنی است که دانشگاهها می‌توانند از آن دست امکانات پژوهشی خود، که به صنعت ربط دارد و می‌تواند توانش بازاربری آن پژوهشها را بیشتر کند، بهره‌گیرند.

با فراهم آمدن این امکان، دیگر پاشیدن بذر خلاقیت یا نوآوری و یا حتی کارهای فن‌آورانه تهورآمیزی که در کشورهای صنعتی‌تر رایج‌تر است، برای دانشگاهها ناممکن نیست. دانشگاههای بومی، همانند هم‌تاهای خارجی خود، تشویق می‌شوند که در تحکیم پیوندهای دانشگاه - صنعت و همچنین بنیاد کردن شهرکهای علم و فن‌آوری یا مرکز نوآوری فعالیت داشته باشند. از رهگذر چنین سازوکارهایی است که صنعت به مهارت و استادان صاحب تخصصهای بالای دانشگاهها دسترسی خواهد یافت.

* شورای ملی آموزش عالی

دیگر اقدام مهم دولت مالزی - که به اندازه «اعمال شرکتی کردن» دانشگاهها اهمیت دارد - تشکیل «شورای ملی آموزش عالی» در ۱۹۹۶، که با تصویب رسیدن لایحه‌ای به همین نام - جایگاهی قانونی یافت، است. این شورا مسؤولیت برنامه‌ریزی و تعیین و تدوین سیاستها و نیز راهبردهای آموزش عالی در مالزی را برعهده دارد. این سیاستها عبارتند از: طرح ملی آموزش عالی، تأمین منابع مالی، مزایای کادر علمی، شهریه‌ها، برنامه‌های دانشگاهی و ارایه رشته‌های تحصیلی.

اختیارات قانونی این شورا آموزشهای دولتی و خصوصی را توأمآ دربرمی‌گیرد و هدف آن ایجاد هماهنگی مؤثر میان دو بخش پیشگفته است. این اختیارات شورا را قادر به افزایش کارایی راهبردی و بهبود سیاستهای خود را در جهت توسعه بیشتر آموزش عالی در مالزی ساخته است. شورای مذکور با ۱۴ عضو به ریاست وزیر آموزش انجام وظیفه می‌کند، و امور آن از طریق دبیرخانه‌ای که در بخش آموزش عالی وزارت آموزش واقع است، اداره می‌شود. اعضای این شورا از میان کارگزاران ارشد دولتی، معاونان دانشگاهها، رؤسای دانشکده‌های خصوصی، و شخصیتهای بازرگانی برگزیده می‌شوند.

بخش آموزش عالی از اکتبر ۱۹۹۵ رسمیت یافت و امور آموزش عالی را عهده‌دار شد. این بخش، از نظر سازمانی، زیر نظارت مستقیم دبیرکل وزارت و نیز وزیر آموزش قرار دارد و از پشتیبانی پنج بخش مهم برخوردار است: سیاستگذاری و مدیریت، توسعه و تأمین منابع مالی، برنامه‌ریزی، پذیرش دانشجو، رفاه دانشجویان خارجی، و نیز امور اداری و مالی. وظایف این شورا عبارتند از: هماهنگ کردن برنامه‌های توسعه دانشگاهها

و دیگر مؤسسات آموزش عالی، تنظیم کمکهای مالی بلاعوض، تصویب برنامه‌های علمی و تأسیس دانشکده‌های جدید، پذیرش دانشجو، و رفاه دانشجویان خارج از کشور.

* افزایش تعداد دانشجویان

به‌رغم افزایش تعداد دانشجویان دوره لیسانس که قبلاً از آن سخن گفتیم، تقاضاهای عظیمی برای ورود به دانشگاهها در میان فارغ‌التحصیلان دبیرستانها به چشم می‌خورد؛ و آن را باید معقولانه نه تنها برحسب تقاضای فزاینده برای نیروی انسانی متخصص بلکه باتوجه به رفع گرفتاریهای اجتماعی و متأثر از ازدیاد جمعیت که امکان ورود به آموزش عالی را نمی‌دهد، برطرف ساخت. بدین قرار، دولت باتوجه به دانشگاههای دولتی، هدف افزایش جذب دانشجویان دوره لیسانس را در سطح ۲۰/۱۰۰۰ نفر تا سال ۲۰۰۰ در مورد دانشگاههای سازمان یافته‌تر سرلوحه کار خود قرار داده است، درحالی که دانشگاههای جدید باید امر پذیرش را برحسب ظرفیت فیزیکی و کادر علمی افزایش دهند. این راهبرد از رهگذر ارتقای برخی از پلی‌تکنیکهای موجود یا دانشکده‌های تربیت معلم به سطح دانشگاه محقق می‌پذیرد.

این اقدامها بخشی از راهبرد مالزی برای مردمی «دمکراتیک کردن» آموزش عالی است تا از آن طریق شمار بزرگ‌تری از دانش‌آموزان و فارغ‌التحصیلان دبیرستانی امکان داده شود به دانشگاههای داخلی راه بیابند. درعین حال، بیشتر دانشگاههای دولتی، برای دستیابی به هدفهای مشابه، به ارایه تحصیلات «آموزش از راه دور» می‌پردازند یا موقعیت آن را تثبیت می‌کنند. این نیز بخش مهمی از «آموزش مستمر» که وزارت آموزش آن را پیشبینی کرده، است. گرچه از قبل پذیرفته شده است که دانشگاهها باید شمار دانشجویان دوره لیسانس خود را افزایش بخشند، تلاش آگاهانه‌ای نیز باید برای تضمین این امر صورت گیرد تا استاندهای علمی، اگر هم ارتقا نمی‌یابد لااقل حفظ شوند. برای مثال، نسبت دانشجو - مُدّرس در هر دانشکده یا برنامه باید در سطحی که مناسب یادگیری و آموزش مؤثر باشد، محفوظ بماند.

با پیشبینی افزایش تقاضا برای آموزش عالی و نیز هزینه‌های فزاینده آموزش دوره‌های لیسانس، بتازگی وزارت آموزش «صندوق ملی آموزش عالی» را ایجاد کرده

است. این صندوق، علاوه بر اینکه راه دیگری برای حمایت مالی از دانشجویان به شمار می‌آید، به طور متناوب برای دانشجویان دانشگاهها، سازوکار مهمی برای تکمیل طرح‌ها و امها خواهد بود؛ طبق این برنامه، دانش‌آموزان مدارس تشویق خواهند شد پس‌انداز کنند. طرح وام دهی موجب می‌شود دانشجویانی که با مشکلات مالی دست به‌گریبانند، در صورت وجود امکان تحصیل از ادامه آن محروم نشوند. طرح وام‌دهی شامل حال دانشجویی که مدارج تحصیلی خود را در مؤسسات دولتی یا خصوصی منطقه خود دنبال می‌کند، می‌شود. علت مطرح شدن این بودجه آموزشی را باید هزینه‌های فزونی یابنده‌ای که بار پرداخت آن بر دوش دولت قرار دارد و همچنین لزوم مشارکت دانشجویان / والدین در پرداخت هزینه‌ها تلقی کرد.

*** هدف از تأکید بر رساندن تعداد دانشجویان علوم و فن آوری به ۶۰ درصد کل دانشجویان**

وزارت آموزش، به لحاظ نیاز فزاینده به نیروی انسانی متخصص سطح بالا در رشته‌های علوم و فن آوری، آماجگاهی ۶۰ درصدی برای نام‌نویسی دانشجویان دوره لیسانس در نظر گرفته است. این راهبرد برای اطمینان یافتن از آن است که تأکید کشور بر صنعتی شدن در اثر نبود متخصصان زُیده در تنگنا قرار نگیرد. دانش‌آموزان سطوح مختلف دبیرستان تشویق می‌شوند که دروس علمی اختیار کنند، ضمن اینکه وزارت آموزش نیز گام‌های خاصی برای بهره‌گیری از مُدرّسان زُیده در دروس علوم و ریاضی برداشته است.

افزایش تعداد دانشجویان دوره لیسانس با افزایش مشابه در نام‌نویسی بالاتر از لیسانس تکمیل خواهد شد. بنابر برنامه هفتم مالزی، طرح‌های دولت در نظر دارد که ظرفیت رشته‌های بالاتر از لیسانس را (از میزان ۱/۵) درصد از کل نام‌نویسی‌های دوره لیسانس در سال ۱۹۹۵، تا سطح دست کم ۱۴ درصد در سال ۲۰۰۰ افزایش بخشد. یک جنبه مهم این افزایش برنامه‌ریزی شده به نیاز دم‌افزون کشور به کارکنان متخصص در زمینه «تحقیق و توسعه» مربوط می‌شود.

۴۰ تشویق به کارافتادن بخش خصوصی

قانون مؤسسات آموزش عالی خصوصی، که در سال ۱۹۹۶ تدوین شد، برای نخستین بار تأسیس دانشگاههای خصوصی را در مالزی مجاز اعلام کرد، گرچه نقش بخش خصوصی در آموزش عالی از نیمه دهه ۱۹۸۰ با تأسیس دانشکدههای خصوصی - که به طور عمده با دایر کردن برنامه‌های مشترک با دانشگاههای خارج از کشور مدارک دانشگاهی اعطا می‌کنند - آغاز شده است. نقش مکمل دانشگاهها/ دانشکده‌های خصوصی را برنامه هفتم مالزی بدرستی مورد تأکید قرار می‌دهد و تصریح می‌کند که هدف مؤسسات آموزش عالی خصوصی باید تکمیل کردن «تلاشهای دولت در گسترش بخشیدن فرصتها و امکانات آموزش عالی باشد و، در عین حال، به کاهش هزینه فزاینده دولتی برای آموزش کمک کند».

از همین سال، سه دانشگاه خصوصی برنامه‌های جدید خود را در سطح لیسانس (کارشناسی) آغاز کرده‌اند؛ این دانشگاهها عبارتند از: دانشگاه تلکوم^۱، دانشگاه تنانگاناسیونال^۲ و دانشگاه فن آوری پتروناس^۳؛ این دانشگاهها در مالکیت سه نهاد مشارکتی دولتی به نامهای تلکوم مالزی، تنانگاناسیونال (تولید برق) و پتروناس یا «شرکت ملی نفت» قرار دارند. دولت امید آن دارد که این دانشگاههای خصوصی کار دانشگاههای دولتی را در برآوردن نیازهای کشور به نیروی انسانی، بویژه در زمینه‌های علوم و فن آوری، تکمیل کنند. افزون بر این سه دانشگاه خصوصی، وزارت آموزش سه دعوتنامه برای دو واحد مستقل - که در نظر دارند برای خود دانشگاههایی با نامهای «دانشگاه علوم و فن آوری مالزی» (MUST) و «دانشگاه بین‌الملل و کشورهای مشترک‌المنافع» تأسیس کنند - اعطا کرده است.

کیفیت آموزش همواره در نظر سیاستگذاران و مردم حایز اهمیت بوده است؛ این امر با نقش فزاینده مؤسسات خصوصی آموزش عالی ارتباط ویژه‌ای پیدامی‌کند. برای این منظور، دولت به استناد قانون «هیأت اعتباردهی ملی» (۱۹۹۶)، بخشی تخصصی به

1- Telkom

2- Tenaga Nasional

3- PETRONAS

وجود آورده‌است. مسؤلیت تدوین سیاست‌های مربوط به استانداردها و کیفیت رشته‌های تحصیلی، ارزشیابی گواهینامه‌ها، مدارک و مدارج کلیه مؤسسات خصوصی آموزش عالی به این بخش یا هیأت واگذار شده‌است.

افزون بر این، هیأت مزبور کار بررسی، بازبینی، و نظارت بر این استانداردها و کیفیت را نیز برعهده دارد و توصیه‌های مقتضی را به وزیر آموزش می‌کند. هیأت از یک رییس و ۹ عضو تشکیل شده‌است که اکثر آنها را استادانی که از دانشگاه‌های دولتی مختلف برگزین شده‌اند تا توازنی در رایه علمی رشته‌ها و برنامه‌های گوناگون وجود داشته باشد، تشکیل می‌دهند. این امر امکان ارزیابی بی‌خداشه مدارج و مدارک را برای استفاده در مؤسسات آموزش عالی خصوصی میسر می‌سازد.

۵. بین‌المللی کردن آموزش عالی

تأثیر اصلاحات بتازگی ارایه شده بر آموزش عالی با مسیر نیل به مقاصد دولت برای تبدیل مالزی به یک مرکز آموزش متعالی در منطقه نیز همخوانی دارد. برای دستیابی به این مقاصد، ضروری است که مؤسسات آموزش عالی داخلی از نظر شیوه مدیریت، بر منابع انسانی و برنامه‌های علمی (آکادمیک) خود - بویژه در جذب دانشجویان خارجی - تغییراتی بنیادی بدهند. یک گام مهم جهت تشویق دانشجویان خارجی برای تحصیل در مالزی، مبادرت جدی به بین‌المللی کردن - چه در سطح مؤسسه و چه در سطح علمی - است. دانشگاهها برای آسان شدن جذب دانشجویان خارجی باید سیاست‌هایی بین‌المللی - هم در داخل و (در صورت نیاز) در خارج - بیافرینند.

آنها برای فراهم آوردن چنین تسهیلاتی می‌توانند مثلاً با «بخش دانشجویان مالزی» در خارج از کشور همکاری کنند. بخش دانشجویان مالزی نیز باید روشهای نوین مدیریتی را به کارگیرد تا - جدا از نقشهای سنتی شان - فعالانه در بازاریابی مؤسسات داخلی ما برای جذب دانشجویان خارجی نیز درگیر شود. در سطح دانشگاه، سازوکار مناسبی باید به کار گرفته شود تا ورود دانشجویان خارجی را به این دانشگاه - با دادن این اطمینان که اقامت آنان در این کشور خوشایند، و از نظر علمی امتیاز آور است - تسهیل کند.

به عنوان جزئی از فرآیند بین‌المللی کردن آموزش عالی در مالزی، امکانات فراوانی

برای مؤسسات آموزشی وجود دارد تا با استفاده از آنها نمایشگاه‌هایی برای آموزش بین‌المللی در خارج از کشور برپا سازند و، از رهگذر آن، برای برنامه‌های علمی مالزی بازاریابی کنند. تلاش دیگری که این مؤسسات می‌توانند با پشتیبانی دولت انجام دهند، تأسیس مرکزی به عنوان نمایشگاه دائمی آموزش است. چنین مرکزی به عنوان بنگاهی بی‌واسطه برای به نمایش گذاردن دستاوردهای آموزشی و امکانات موجود در این کشور عمل می‌کند.

چنانکه اشاره شد، مؤلفه مهمی که بازارپذیری برنامه‌های علمی ما را زنده نگاه می‌دارد، به کیفیت مربوط می‌گردد. هر برنامه علمی باید از بالاترین سطح کیفیت برخوردار باشد تا این اطمینان خاطر را که دانشجویان خارجی همچنان مشتری پروپا قرص مؤسسات آموزش عالی بومی باقی می‌مانند، به وجود آورد. این امر، البته با تشکیل هیأت اعتباردهی ملی مرتبط است.

۰۶ کلام آخر

درواقع، اینکه ما اصلاحات آموزشی فوق را باهدف عمده دولت برای این که دانشگاه‌های بومی یا مؤسسات آموزش عالی مشابه بتوانند نیازهای مالزی را به نیروی انسانی برآورند مربوط بدانیم، مهم است. بعلاوه باید به اینکه نیروی انسانی کشور - همچون مؤلفه‌ای مهم در برنامه پنج‌ساله مالزی، نقشی کلیدی در دستیابی به آرمان کشور - که می‌خواهد تا ۲۰۲۰ یک کشور صنعتی باشد - دارد، اذغان کرد.

برای برآورده ساختن نیازهای هر دم تغییر یابنده همه بخشهای اقتصاد، باید خلأ نیروی انسانی بسیار متخصص، نوآور و سازش پذیر را پیوسته پر کرد. این امر در زمینه تمایل دولت برای تأسیس «سوپرکوریدور چندرسانه‌ای^۴» (MSC)، که باید شمار فراوانی از دانشوران را پشتوانه کار خود داشته باشد، مصداق بیشتری پیدامی‌کند. مالزی نیز، همچون هر کشور دیگر منطقه، در واقع چالشی عظیم را از نظر سیاست‌گذاری و تحقق آن در سده بیست و یکم در پیش روی دارد.

باید تأکید کرد که می‌توان به اصلاح آموزش عالی به چشم فرآیندی که مالزی را به

یک مرکز آموزشی متعالی در این منطقه در خواهد آورد، نگاه کرد. با آنکه نیل به این هدف دورنمایی میان مدت یا بلندمدت دارد، مع الوصف، فرآیند مذکور در پی یافتن زمینه برای اقدامهای جدید و مبتکرانه‌ای است که فرهنگ متعالی تازه‌ای در فضای همه دانشگاههای دولتی، دانشگاههای خصوصی نو تأسیس، و دانشکده‌های خصوصی متعددی که برای آموزش عالی فعالیتهایی را تدارک می‌بینند، استقرار یابد. کلیه این مؤسسات و بویژه آنهایی که نقشهای پیشگامی دارند، بی‌گمان، باید به دگرگونیهای پیچیده‌ای که به هنگام حرکت به سوی هزاره بعدی (سوم) بر سرراهشان رخ خواهد نمود، پاسخ گویند.

این نیز بسیار مهم است که ما، در ترسیم نمودار مسیر آینده آموزش عالی مالزی، از تجارب دیگر کشورها - از جمله، کشورهای نواحی آسیایی اقیانوس آرام - درسهایی بیاموزیم، چرا که این قبیل تجارب می‌توانند پرتو روشنتری بر بُعد برنامه‌ریزی ما در خصوص توسعه منابع انسانی بیفشانند. به همان اندازه مهم و مسلماً سودمند نیز هست که دانشگاههای مالزیایی فعالیتهای شبکه‌ای خود را در میان خودشان و در ارتباط با دانشگاههای متعلق به این بخش از جهان، گسترش و تحکیم بخشند.